

نهایت تلاشت را بکن « گاهی توصیه مزخرفی است

پرورش اخلاقی ابعاد متفاوتی دارد که هم شامل انجام دادن است هم انجام ندادن

میویس بیس



گاهی در زندگی با مشکلاتی مواجه می‌شویم که هرچه برای حلشان بیشتر تلاش می‌کنیم، کمتر نتیجه می‌گیریم. به هر جا و هر کس هم که مراجعه می‌کنیم با این پاسخ مواجه می‌شویم: «نهایت تلاشت را بکن». اما تأمل در آثار متفکران بزرگ، از ارسطو و کانت گرفته تا نویسنده فرزانه کتاب باستانی ئی چینگ، روش دیگری را برای مواجهه با مشکلات پیشنهاد می‌کنند، روشی که تلاش کاملاً متفاوت را جایگزین نهایت تلاش می‌کند.

گاهی در زندگی با مشکلاتی مواجه می‌شویم که هرچه برای حلشان بیشتر تلاش می‌کنیم، کمتر نتیجه می‌گیریم. به هر جا و هر کس هم که مراجعه می‌کنیم با این پاسخ مواجه می‌شویم: «نهایت تلاشت را بکن». اما تأمل در آثار متفکران بزرگ، از ارسطو و کانت گرفته تا نویسنده فرزانه کتاب باستانی ئی چینگ، روش دیگری را برای مواجهه با مشکلات پیشنهاد می‌کنند، روشی که تلاش کاملاً متفاوت را جایگزین نهایت تلاش می‌کند

تصویر هماهنگ شدن با فرایندهایی که رخ می‌دهند، آن‌چنان که در ئی چینگ آمده است، تلاش کاملاً متفاوت را جایگزین نهایت تلاش می‌کند. پذیرش، اگرچه فی‌نفسه عمل به شمار نمی‌آید، از نظر احساسی طاقت‌فرساست. آرامش‌بخش نیست، منفعل هم نیست. در واقع، پذیرش ممکن است چنان دشوار باشد که بسیاری ترجیح دهند تقریباً در هر کار دیگری نهایت تلاش خود را به کار بندند. بنا به تجربه شخصی خودم، پناه‌بردن به پروژه‌های کاری یا یافتن کسی برای قراری عاشقانه هزاران بار آسان‌تر است از اینکه نسبت به سوگ و تنهایی خود به پذیرش برسیم.

وقتی در چنبره تلاشی نادرست گرفتار می‌شوم، خودم را مانند حشره‌ای مصنوعی تصور می‌کنم که داخل جعبه‌ای این سو و آن سو می‌رود و به دیواره‌ها می‌خورد تا وقتی که باتری‌اش تمام شود. در چنین مواقعی باید هگزگرام *Hsü*⁴ «انتظار» را دوباره بخوانم. فرزانه‌ئی‌چینگ می‌داند که گاه آدمی خود را در مفاکی خطرناک می‌بیند و هر چه بیشتر تلاش می‌کند وضعیت بدتر می‌شود. کارول آنتونی، نویسنده راهنمای‌ئی‌چینگ، مطالعات خود را در مورد‌ئی‌چینگ طی بحرانی شخصی در ۴۱ سالگی آغاز کرد، که اتفاقاً سن کنونی من و تکان‌دهنده‌ترین سال زندگی‌ام است. آنتونی متوجه شد وقتی که حس می‌کنیم زندگی از دستمان خارج شده «همچنان به این تصور می‌چسبیم که جلورفتن بستگی به تلاش بیرونی دارد». با استفاده از تصویری از هگزگرامی دیگر، Chien («رشد» یا «پیشرفت تدریجی»)، ما بیشتر مایلیم «مانند گیاهان باتلاقی سریع رشد کنیم»، تا اینکه با تمرین آهسته روی نگرش‌های درونی‌مان «محکم و استوار ریشه» بدوانیم.

من به شاگردانم به‌شوخی می‌گویم که، بعد از گذراندن این دوره با من، دیگر هیچ‌وقت زیر پست‌های اینستاگرامی‌شان نمی‌نویسند «بهترین زندگی‌ام را زندگی می‌کنم!». ما در این دوره استدلال ریچارد کراوت، فیلسوف معاصر، را می‌خوانیم که می‌گوید ما اساساً چنین امکانی نداریم که بفهمیم زندگی فعلی‌مان بهترین شکل زندگی ماست. چگونه می‌شود کسی بر تمام نمودهای ممکن ابعاد عملی، اخلاقی و معنوی خود وقوف داشته باشد؟ به نظر می‌رسد که «بهترین» برای آدمی شناخت‌ناپذیر یا شاید تناقض‌آمیز باشد، زیرا خودِ رشد فرایندی پویاست، نه یک حالت ثابت که در حوالی نهایت‌ها جا خوش کند. تحولی که من در کوشش‌های متفاوت در رابطه‌ام با خودم آغاز کرده‌ام هنوز کامل نیست و چه‌بسا از بیرون به چشم نیاید. اما این امر، در قیاس با شیوه‌های متداولی که نهایت تلاش و کوشش را تجویز می‌کنند، چنان صادقانه‌تر حرمت‌نفسم را پاس می‌دارد که اهمیت نمی‌دهم دیگران مرا زنی ببینند که تنها در مفاکی نشسته است.

هر زمان که فکر می‌کنیم در تلاشیم نهایت توان خود را در به‌کار بستن اصول اخلاقی‌مان انجام دهیم، می‌توانیم اندکی از تفسیر استنلی کاول، فیلسوف معاصر، درباره‌ی رالف والدو امرسون و هنری دیوید ثورو استفاده کنیم، و با عبارت «راهی به سوی خود دست‌نیافته‌ی خویشتن» جست‌وجوی خود را دقیق‌تر توصیف کنیم. کاول از اصطلاح «کمال‌گرایی اخلاقی» استفاده می‌کند برای اشاره به

بُعد یا سنتی از زندگی اخلاقی ... که بار عظیمی بر دوش روابط شخصی و بر دوش امکان یا ضرورت تغییر و تحول شخص و جامعه می‌گذارد - که فشارهای روانی آن از افلاطون و ارسطو گرفته تا امرسون و نیچه را شامل می‌شود و از میان نقاط متضادی مانند کانت و میل می‌گذرد.

همه این متفکران خوانندگان‌شان را به سوی «خودِ بعدی» سوق می‌دهند. ما به‌راحتی می‌توانیم مطالعه‌ی کاول در مورد کمال‌گرایی اخلاقی را بسط دهیم تا سنت‌های وسیع فلسفه‌ی چین، ژاپن، تبت و سراسر جهان را در بر گیرد.

هگزگرام *Hsii* («انتظار») تصویر ابرهایی را تداعی می‌کند که به سمت آسمان بالا می‌روند: «بالارفتن ابرها در آسمان نشانه آن است که باران خواهد بارید. هیچ کاری نمی‌توان کرد جز اینکه صبر پیشه کنیم تا باران بیارد. زندگی نیز به همین سان است، آنگاه که دست سرنوشت در کار است». اگر نهایت تلاشتان نتیجه‌ای در بر نداشته، قویاً توصیه می‌کنم منتظر باران شوید.

دانشیار فلسفه دانشگاه لویولا مریلند است. تخصص او در اخلاقیات، کانت و فلسفه فمینیستی (Mavis Biss) میویس بیس است.